

همایش تعاون، توزیع و مهار تورم

در هفته تعاون سال جاری (۱۰ - ۱۶ شهریور) از جمله فعالیتهای و اقدامات مفیدی که توسط دست اندرکاران بخش تعاونی در وزارت تعاون صورت گرفت برپایی همایشهایی تحت عناوین تعاون و اشتغال جوانان و فارغ التحصیلان و تعاون، توزیع و مهار تورم بود که در آن جمعی از مقامات و شخصیتهای کثوری پیرامون توانمندیهای وزارت تعاون در امر ایجاد اشتغال و اصلاح نظام توزیع، خدمات و کالا در کشور بیاناتی را ایراد نمودند. در این شماره و در ادامه مباحث به چاپ رسیده از همایش تعاون و اشتغال جوانان و فارغ التحصیلان، مطالب عنوان شده در همایش تعاون، توزیع و مهار تورم را به نظر شما خوانندگان گرامی می‌رسانیم باشد که راه کارهای ارائه شده در این همایش متشام تحول و تغییرات اساسی در نحوه نگرش سیاستگذاران برای اعتماد کامل به شیوه تعاونی در جهت حل مسائل و مشکلات این بخش اقتصادی از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد.



اهمیت تعاونیها در نظام توزیع کشور

متن سخنرانی آقای مهندس مرتضی حاجی
در همایش تعاون، توزیع و مهار تورم

اینکه می‌گوئیم تعاونی و بخش تعاون در واقع زیربنایی‌ترین بخش اقتصاد کشور باید باشد اینطور نیست که همکاران و کارشناسان و مدیران وزارت تعاون برای اینکه کار خودشان را بزرگ جلوه بدهند گفته باشند، نه، این میثاق خون شهدای ماست که در اصول قانون اساسی تبلور پیدا کرده است.

برابر تهاجمی که توسط بعضی واسطه‌های انتقالی کالا از تولید به مصرف به منافع او شده بود، یعنی احساس می‌کرد که کارخانه‌ای که یک وسیله و یا یک کالا را تولید می‌کند با یک قیمت معینی و علی‌القاعده باید با یک درصد معقولی هزینه‌های مربوط به توزیع و سود توزیع کننده به دست او برسد گاهی به بیش از دوبرابر قیمت و شاید بالاتر از قیمت کالا در اختیار او قرار می‌گرفت.

این در واقع یک هجوم گسترده و جدی بود بر منافع مصرف کننده، لذا مصرف

بین منبع تولید یا ورود کالا به کشور تا مصرف کننده وجود دارد به مراتب تقلیل می‌دهیم و یا اصلاً حذف می‌کنیم، مصرف کننده واقعی یا واحد تولیدی دیگری است که از آن کالاهای مورد نظر به عنوان ماده اولیه در خط تولیدش استفاده می‌کند یا خانواده‌ای است که برای امور زندگی‌اش استفاده می‌کنند موانع خوراکی مصرف می‌کند، لوازم خانگی مصرف می‌کند و بقیه، اینکه تعاونی درست شد برای این نوع خدمات در واقع جبهه دفاعی است که مصرف کننده برای خودش طراحی کرد در

آنچه که در این همایش مورد بررسی قرار می‌گیرد نقش تعاونیها در تأمین کالای مردم و رساندن آن به دست مصرف کننده است.

بخش توزیع در تعاونیها از آن درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که در قانون اساسی در بخش مربوط به تقسیم بندی پایه‌های اقتصاد کشور بطور خاص اسم برده شده و در تعریف حوزه فعالیت تعاونیها نیز نام تعاونیهای توزیعی ذکر شده است و ما در واقع از طریق فعالیت شبکه تعاونی واسطه‌های متعددی را که



ارقامی را روی هم گذاشتند - تا شرکت‌های تعاونی تأسیس شدند که سابقه کارشان هم به بیش از شصت (۶۰) سال قبل در کشور برمی‌گردد. این تضاد، منافع مصرف‌کننده و توزیع‌کننده، فقط مربوط به کشور ما نیست، مربوط به همه دنیاست. از کشورهای پیشرفته تا کشورهای با وضعیت مشابه ما یا عقب مانده‌تر، همه با این مشکل دست به گریبان هستند. این اجتماع مردمی باعث می‌شود که اجزای اجتماعی که در سلسله مراتب متعدد توزیع در شبکه آزاد به مصرف‌کننده می‌شود به حداقل کاهش پیدا بکند.

چشمگیری است، مثلاً در سال ۱۳۷۲ در گروه غلات قیمت‌های تعاونی ۲۸٪ از بازار آزاد کمتر بود و گوشت دام ۱۳٪ مرغ ۸٪ در فرآورده‌های لبنی ۲۱٪ تخم مرغ ۱۳٪ روغن‌های نباتی ۲۴٪ حبوبات ۱۴٪ قند و شکر ۱۰٪ چای ۲۳٪. این قیمت‌های تعاونی است که در تعاونیها و تعاونیهای مصرف با قیمت‌های بازار آزاد اختلاف داشته است. در همین ماه گذشته آماری که دوستان گرفتند ۲۱ قلم کالای خوراکی را بررسی کردند. از این ۲۱ قلم، ۱۶ قلم آنها از حداقل ۲ الی حداکثر ۲۲٪ قیمت نسبت به قیمت بازار ارزانتر بوده است و در ۴ مورد دیگر قیمت‌ها مساوی بودند یا تفاوت چشمگیری نداشتند.

در گروه کالاهای شوینده و بهداشتی ۵ قلم کالا بررسی شدند که از ۳ تا ۵ درصد ارزانتر بودند این را هم می‌دانید که گروه این نوع کالاها با قیمت نسبتاً تثبیت شده به بازار عرضه می‌شود. با این وجود در تعاونیها تا ۵٪ قیمت‌ها ارزانتر بوده است. در لوازم خانگی نیز از ۲ تا ۵۸٪ ارزانتر بوده در نوشت افزار ۷ تا ۹۶٪، خوب این رقمها، رقمهایی است که نمیتوان به راحتی از آن چشم‌پوشی کرد و تأثیر آنها را در سبد هزینه خانواده‌ها ندیده گرفت.

کننده برای اینکه در مقابل این هجوم یک دفاع داشته باشد - با سرمایه‌های اندک خانواده‌ها ایجاد می‌شود بی‌جهت افزایش پیدا نکند الان اعداد و ارقامی که خود دوستان وزارت بازرگانی عنوان می‌کنند به ازاء هر شش، هفت خانواده یک واحد صنفی وجود دارد که طبیعتاً هزینه‌هایی که برای اداره آن واحد صنفی هست این شش تا هفت خانواده باید پرداخت بکند.

خوب این هزینه خیلی هزینه سنگینی است و آن واحد صنفی هم در واقع با حقوق کارمندی که اداره نمی‌شود یک کمی وضعیت بهتر از وضعیت عادی خانواده‌های کارمندی است و به هر حال هزینه‌ای که برای آنها می‌شود، هزینه‌ای سنگین هست و معلوم نیست که اصلاً این اندازه واحد صنفی برای کشور مورد نیاز هست یا نه؟

طبیعی است برای اینکه اینها خودشان را اداره کنند ناچار هستند یک سری کالائی را بین خودشان بگردانند، دست به دست بکنند تا بالاخره یک رقیبی نفر اول بگیرد، نفر دوم بگیرد، نفر سوم..... بالاخره آخر پنجم یا ششم برسانند دست کسی که در واقع آن را به محل مصرف ببرد.

اگر ما بنا باشد که به عدد و ارقام نگاه بکنیم، می‌بینیم که تفاوت، تفاوت فوق‌العاده

بنابراین هدف از تشکیل این تعاونیها حذف واسطه‌های غیرضرور و به حداقل رساندن هزینه‌هایی است که در سلسله مراتب توزیع به قیمت کالا اضافه می‌شود و همچنین رساندن کالا به دست مصرف‌کننده واقعی به صورت عادلانه است و نوعاً نیز در شرایطی که در مورد کالاها، وضعیت خاصی وجود دارد یا محدودیت‌هایی وجود دارد، کاربرد تعاونیها هم بیشتر نشان داده می‌شود زیرا که توزیع بوسیله آنها عادلانه‌تر است یعنی شما در طول سالهای جنگ مخصوصاً به دفعات شاهد بودید که اگر مثلاً تعدادی یخچال در اختیار اتحادیه تعاونی قرار می‌گرفت و چنانچه در بازار آزاد بفروش می‌رسید، قیمت چندبرابر قیمت تولیدکننده و قیمت واقعی بود اما وقتی آن را در اختیار تعاونی قرار می‌دادند و اگر تعاونی هم می‌خواست این را به کسی واگذار کند یک شرط و شروطی برای کسانی که در واقع استحقاق دریافت این کالا را داشتند پیش‌بینی می‌کرد بالاخره این یک روشی بود که مقبولیت داشت در بین اعضاء، خوب این شیوه - شیوه پس‌سندیده‌ای است: همیاری، کمک، معاضدت، مساعدت برای اینکه نیازهای همدیگر را بهتر برآورده کنیم برای اینکه هزینه‌هایی که برای

حال که اینطور هست به تقویت بخش تعاونی بیشتر فکر بکنیم و برای استفاده بیشتر مردم از این شبکه گسترده راه‌حلهای جدیدی پیدا بکنیم، مزایایی که در تعاونیها می‌توان دید برای همین بخش توزیع اگر فهرست وار به چند مورد آنها اشاره بکنیم. اولاً: یک شبکه‌ایست که بطور عام در خدمت مردم است، تعداد اعضای تعاونیهای مصرف برابر آماری که وجود دارد بیش از ۶ میلیون است اگر بگوئیم هر نفر تقریباً نماینده یک خانواده باشد و با یک مقدار اغماض، میانگین خانواده را ۲ نفر حساب کنیم حدود ۲۴ میلیون نفر در شبکه تعاونی مصرف وجود دارند و از این شبکه استفاده می‌کنند یک چیزی نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت کشور.

که در پایان سال سودی هم از فعالیت تعاونی باقی بماند - این سود یا به سرمایه آنها اضافه می‌گردد یا در بین خود اعضاء به گونه‌ای تقسیم می‌شود یعنی هم قیمت ارزانتر و هم هزینه کمتری برای حمل و نقل پرداختند و هم اینکه امکاناً و احتمالاً در آخر سال هم رقمی به عنوان سود نصیبشان می‌شود.

شبکه تعاونی شبکه مردمی و در اختیار دولت است و برنامه‌های دولت را در توزیع کالاهای یارانه‌ای خودش را به نحو مطلوبی اجراء می‌کند اینها که من عرض می‌کنم معنایش این نیست که در تعاونی مصرف هیچ نقطه‌ای از کشور مشکل نداریم. اینها نقاط قوتی است که کلاً شبکه تعاونی دارد، البته ممکن است در جزئیات امور بعضی از

داشته باشد. قصد من از این عریضی که داشتم خدای ناکرده جسارت و متهم کردن کسبه محترم که در بازار کار می‌کنند نیست، این ماهیت کار خودش را این جور می‌کند آنهم جزئی از یک سیستمی است که خود به خود در مقابل این دو سیستم قرار دارد. هرچه این سیستم عقب برود آن جلو می‌آید و خودش را تحمیل می‌کند، برعکس تعاونی جلو برود به ناچار عقب‌نشینی می‌کند و به ناچار خودش را با این شرایط تطبیق می‌دهد.

در مورد مشکلاتی که گاهی روزنامه‌ها درباره آن می‌نویسند که راجع به احتکار کالا مخصوصاً در شرایط کمبود و اینکه انبارهایی پیدا می‌شود که هزاران تن کالا در آن احتکار و نگهداری شده و بعداً با قیمت سخت و سنگین به مردم واگذار می‌شود، در تعاونی مصرف اگر پانصد نفر عضو داشته باشد که یک تعاونی نسبتاً جمع و جوری می‌شود، این ۵۰۰ نفر با هزار تا چشم دارند نگاه میکنند که مدیرها چکار می‌کنند و این مدیری که هزار تا چشم مراقبش هست نمی‌تواند با آزادی عمل (که فقط خودش هست تصمیم بگیرد که چه بکند) رفتار داشته باشد. علاوه بر آن هزار تا چشمی که عضو هستند دارند مدیرشان را کنترل می‌کنند یک شبکه دولتی دیگر نیز به نام وزارت تعاون - ادارات تعاون و استانها و علاوه بر آن سازمانهای بازرسی و قوه قضائیه هستند که اینها را دارند بازرسی و کنترل می‌کنند. هرکس درآمد و گفت در تعاونی ما فلان مشکل هست فوری دو تا کارمند و کارشناس وزارت تعاون می‌روند آنجا تا ببینند قضیه چیست و فوراً رسیدگی می‌کنند. این فرق دارد با شبکه‌ای که تقریباً کسی بالای سرش نیست و بازرسی هم اگر برود بطور تصادفی باید با مشکل مواجه بشود ولی اینجا برای هر یک از اعضاء تعاونی دو تا چشم مراقب رفتار مدیریت است. به این دلیل است که شما

وقتی شما از طریق شبکه تعاونی بطور متوسط مثلاً: یک رقمی بین ۲۰ تا ۲۵٪ سطح قیمتها را در شبکه خودتان پائین آورید به خودی خود این کاهش قیمت خودش را به بازار قیمت تحمیل می‌کند و در واقع از طریق این شبکه به سطح عمومی قیمتها و توزیع درست کالاها به خارج از شبکه تعاونی کالا کمک می‌کنید. هرچه این شبکه وسیعتر باشد این مقدار تأثیر زیادتر است.

جاها مشکلاتی باشد که باید به هم کمک کنیم تا مشکلاتش را رفع کنیم و این حیات طیبه تعاونی را استمرار و دوام و قدرت و قوت بیشتری را برایش ببخشیم.

وقتی شما از طریق شبکه تعاونی بطور متوسط مثلاً: یک رقمی بین ۲۰ تا ۲۵٪ سطح قیمتها را در شبکه خودتان پائین آورید به خودی خود این کاهش قیمت خودش را به بازار قیمت تحمیل می‌کند و در واقع از طریق این شبکه به سطح عمومی قیمتها و توزیع درست کالاها به خارج از شبکه تعاونی کالا کمک می‌کنید. هرچه این شبکه وسیعتر باشد این مقدار تأثیر زیادتر است هرچه این شبکه را کوچک و جمع و جورش بکنیم کالا را برایش نرسانیم و در غربت نگهداریم، آنطرف میدان بازاری پیدا می‌کند که اجحاف بیشتری را به مردم

بنابراین ما در صورتی که در این شبکه بسیار وسیع برنامه‌هایی هم داشته باشیم، مثلاً دولت الگوهای خاصی را در مصرف ترویج بکند - بهترین راه و بهترین شبکه موجود در اختیار همین شبکه تعاونی است که می‌تواند با ارائه الگوهای خود در این خانواده بزرگ آنچه را مورد نظرش است در جامعه جا بیاورد.

دومین نکته از مزایای تعاونیهای مصرف این است که علاوه بر اینکه اعضاء از طریق آنها کالاها را به قیمت ارزانتر و مناسبتر دریافت می‌کنند در بسیاری از موارد هم فروشگاه تعاونیشان در نزدیک محل کار یا محل خودشان قرار دارد و برای خرید کردن متحمل هزینه‌های حمل و نقل و رفت و آمد نمی‌شوند و از این جهت هم کمکی به هزینه‌هایشان است و در صورتی



شاهد احتکار و از دسترس خارج کردن کالا در شبکه تعاونی‌ها نیستید.

بهرحال، در مقدس‌تریم میثاق ملی و دینی ما یعنی قانون اساسی از این بخش به عنوان یک بخش بنیادی و زیربنایی و بلکه بعنوان یک محور فعالیت اقتصادی کشور نام برده شده است چرا که بخش تعاونی در کنار بخش دولتی و بخش خصوصی بعنوان کل وجود دارد و این بدان معنی است که هر کجا کار روی زمین بود اینها بیایند کارش را انجام بدهند، تازه در بین این دو، وقتی که از تعاون و بخش تعاونی نام برده، گفته شده که باید به گونه‌ای باشد که نه به تمرکز و نه به تداول ثروت در دست اشخاص و اعضاء و گروه‌های خاص منجر بشود و هم اینکه از تبدیل دولت به کارفرمای بزرگ مطلق ممانعت به عمل آورد. یعنی تازه این بخش را تعدیل‌کننده، دولت و بخش دولتی پیش‌بینی کرده است، پس اینکه می‌گوئیم تعاونی و بخش تعاون در واقع زیربنایی‌ترین بخش اقتصاد کشور باید باشد اینطور نیست که همکاران و کارشناسان و مدیران وزارت تعاون برای اینکه کار خودشان را بزرگ جلوه بدهند گفته باشند، نه، این میثاق خون شهادی ماست که در اصول قانون اساسی تبلور پیدا کرده است. ما در چنین بخشی داریم کار می‌کنیم، می‌خواهیم بگوئیم که این بخش باید این گونه باشد باید در این بخش قابلیت‌های خودمان نشان بدهیم. نمی‌شود که یک گوشه‌ای بنشینیم بگوئیم که ما را تقویت کنید ما باید قابلیت تقویت شدن را از خودمان نشان بدهیم، اول آنکه می‌بایست سطح مهارت و تخصصی خودمان را بالا ببریم به هر مقدار که ممکن است، درست است که از طریق بخش تعاون باید مشکل و معضلات مهم دیگری مانند ایجاد اشتغال در نقاط دورافتاده و مرزی کشور را هم حل بکنیم و سرمایه‌گذاری تعاونی هم در آنجا به داد مردم برسد و در

واقع کس دیگری نمی‌تواند در آنجا برای آنها شغل ایجاد بکند ولیکن آن سرمایه داری که می‌خواهد کارخانه‌ای بزند، می‌رود کارخانه را جایی می‌زند که رفاه داشته باشد، کارشناسان بخش خود را جمع بکند و آنجا، رفاه نسبی به آنها بدهد، هزینه کمتری داشته باشد، آن نمی‌رود در نقطه دورافتاده مرزی ایجاد اشتغال بکند، همین بخش تعاون باید این کار را انجام بدهد این درست است و ما به این مکلفیم و ما انشاء... به این تکلیف هم با همه توانمان عمل بکنیم و این طوری نباشد که همه تصورها به سمتی برود که بخش تعاون چند نفر آدم بیکار پیدا کند و برای آنها یک شغلی درست بکنند با کمک یارانه دولتی. آن به جای خودش محفوظ، اما بخش تعاون باید بعنوان بخش قدرتمند و قوی و اصلی در صحنه اقتصادی کشور قابلیت خودش را نشان بدهد، حالا شما که در تهران هستید، در شهرستانها و مراکز استانها و

در شرایطی که در مورد کالاها، وضعیت خاصی وجود دارد یا محدودیت‌هایی وجود دارد، کاربرد تعاونیها هم بیشتر نشان داده می‌شود زیرا که توزیع بوسیله آنها عادلانه‌تر است

جاهایی که دارای امکانات خوب هستید باید کاری بکنیم که قابلیت‌های فنی و تخصصی خودمان را چه در زمینه بازرگانی، چه در مسایل فنی، چه در مسایل مدیریتی و بقیه زمینه‌ها به حد اعلی برسانیم.

بنابراین در درجه اول سعی بکنیم که همه همت و تلاش مان را بکار ببریم که تخصص و توان علمی‌مان را به حد ممکن بالا ببریم، دوم اینکه در خانواده خودمان ریشه تعاون را بدوانیم، تا بچه‌های ما با اندیشه و تفکر تعاونی رشد بکنند.

حالا اینطوری نیست که ما بگوئیم که امروز بحث تعاون می‌کنیم فردا یک دفعه شصت میلیون آدم معتقد به تعاونی بشوند، نه این فکر تعاونی بایستی که از طفولیت در تک تک افراد جامعه تزریق بشود و رشد بکند در مدارس و مراکز آموزش باهمت و کمک مدیران بخش آموزشی و در درون خانواده با کمک همه مردم. بخصوص انتظار می‌رود از اعضاء و فعالان بخش تعاونی که خودشان تفکر تعاونی را در داخل خانواده‌ها و در فکر بچه‌ها و وابستگان آنها رشد بدهند که این کاملاً ملکه بشود، لمس بشود، درک بشود که تعاون به چه اندازه می‌تواند کمک بکند به رشد و توسعه اقتصادی کشور، سهمی

شبکه تعاونی شبکه مردمی و در اختیار دولت است و برنامه‌های دولت را در توزیع کالاها و یارانه‌ای خودش را به نحو مطلوبی اجراء می‌کند اینها که من عرض می‌کنم معنایش این نیست که در تعاونی مصرف هیچ نقطه‌ای از کشور مشکل نداریم. اینها نقاط قوتی است که کلاً شبکه تعاونی دارد، البته ممکن است در جزئیات امور بعضی از جاها مشکلاتی باشد که باید به هم کمک کنیم تا مشکلاتش را رفع کنیم و این حیات طیبه تعاونی را استمرار و دوام و قدرت و قوت بیشتری را برایش ببخشیم.

که الان بخش تعاونی دارد در رشد و توسعه اقتصاد کشور بدانید که اصلاً قابل دفاع نیست، حالا ۲/۵ تا ۵٪ که ارقام متفاوت است بگیریم که بفرض حدود ۵٪ اگر سهم در اقتصاد کشور داشته باشیم اصلاً رقمی نیست که بتوانیم به آن افتخار کنیم و بگوئیم که چیزی بعنوان تعاونی هم وجود دارد، باید همه همت کنیم که این سهم را به سهم شایسته خودش یعنی بیش از $\frac{1}{2}$ برسانیم تا اینکه آن معنی مکمل بودن مفهوم پیدا بکند و الا اینطور نخواهد شد.

پس یک اینکه به افزایش توان خودمان، توان فنی و تخصص خودمان فکر کنیم و برایش برنامه‌ریزی بکنیم.

دوم اینکه فروشگاه‌هایمان، مراکز عرضه کالاهايمان را از حالت یک دکه فرسوده عقب‌مانده در بیاوریم کمی به آن برسیم.

سوم اینکه ارتباطی با اعضا ایجاد بکنیم که اعضا اعتمادشان نسبت به کار ما و خدمات ما افزایش پیدا بکند و سعی بر این باشد که این ارقام سرمایه را افزایش بدهیم. رقمی که من حساب کردم، نمی‌دانم خیلی دقیق است یا نه؟ با دوستان دیگر فرصت نکردم کنترل بکنم، بنظرم رسید که متوسط سرمایه‌ای که الان در بخش تعاون دارند چیزی حول و حوش -/۳۶/۰۰۰ ریال است. حدود -/۱۱/۰۰۰ تعاونی مصرف -/۶/۰۰۰/۰۰۰ عضو ۲۸۶ میلیارد ریال سرمایه دارند به ازاء هر نفر -/۳۶/۰۰۰ ریال که این مبلغ بسیار اندک است و مبلغ قابل قبولی برای تعاونیها نیست.

بعضی جاها رقم‌ها بالاتر و بهتر است و حول و حوش ۲۰-۱۵ هزار تومان، بعضی جاها هم کمتر است، ۲۰ هزار تومان هم

دیگر رقمی نیست و به کاری نمیاید. جوری اعتماد اعضا را جلب بکنیم که این ارقام سرمایه افزایش پیدا بکند، لاقلاً همراه با نرخ توزیع سالانه افزایش پیدا بکند، اگر اعضا سرویس خوب از ما بگیرند این علاقمندی را از خودشان نشان می‌دهند و سرمایه را افزایش می‌دهند در غیراینصورت معلوم است که ممکن است ببینند بگویند این ۳۶۰۰ تومان ما را هم پس بدهید. باید حتماً به افزایش سرمایه فکر بکنیم.

چهارم اینکه روشهای کاری را اصلاح کنیم و روشهای درست مثلاً حسابداری یا حتی صندوقداری را با استفاده از سیستم بار کد اصلاح کنیم. حالا مثل اینکه در بعضی جاها هست ولی عمومیت ندارد اینها را وارد تعاونیها کنیم شبکه‌هایمان را مدرن بکنیم چرا که سیستم انبارداری‌مان از این طریق کنترل شده‌تر هست و بموقع می‌توانیم بدانیم چه داریم چه نداریم و هم اینکه قیمت برای مصرف‌کننده روشن‌تر هست و هیچگونه تبعیض و شبهه‌ای برای کسی ایجاد نمی‌شود.

مطلب دیگر توجه به تشکل تعاونیها با یکدیگر است، منظورم اتحادیه‌های تعاونی است. این را بهای زیادی بدهیم، اتحادیه‌ها باید قدرت خیلی زیادی داشته باشند و کمک بکنند تعاونیها با یکدیگر مشارکت کنند، در درون بخش تعاون ما باید تفکر تعاونی وجود داشته باشد و تقویت بشود. این به هم پیوستگی بصورت جزیره‌های مستقل نباشد یک جزیره، تعاونی مصرف شماره یک، یک جزیره تعاونی مصرف شماره ۲ و یکی دیگر ۳، بلکه این ۱ و ۲ و ۳ بهم دیگر متصل شوند و یک زنجیره‌ای بشوند

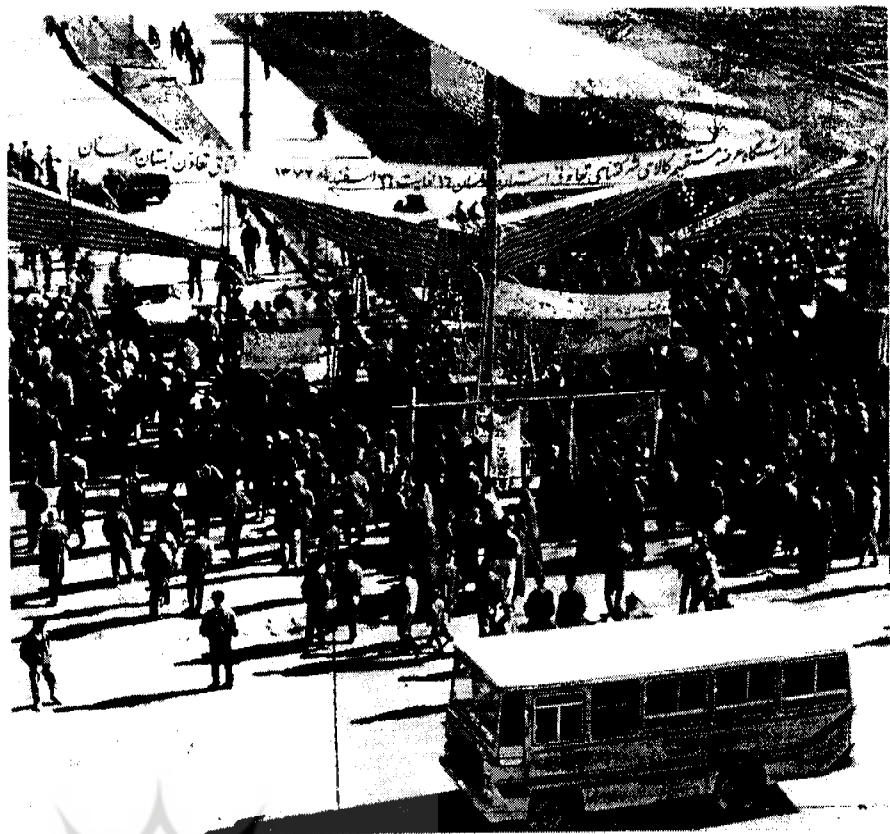
و خود اتحادیه‌ها نیز باهم دیگر، خوشبختانه در قانون یک نقاط اتصالیه هم پیش‌بینی شده، حالا هم اتحادیه‌ها، هم اتاق تعاون، وسیله‌ای هستند که این تعاونیها و اتحادیه‌ها را بهم‌دیگر متصل کنند. این را باید در عمق باور و اعتقاد خودمان انشاء... جا بدهیم و اینطور نباشد که هر تعاونی رقابت بکند با تعاونی دیگر برای اینکه آنرا پشت پا بزند که عقب بماند و خودش جلو برود، اینطور نشود، تفکر تعاونی در کل شبکه تعاونی انشاء... با تقویت اتحادیه‌ها و انشاء... اتاق تعاون وجود داشته باشد.

اتاق تعاون شما که باید رقابت کند با اتاق بازرگانی، متأسفانه در وضعیت نامناسبی بسر می‌برد و بنظر می‌آید که علتش هم این است که دوستان خیلی شاید باور نداشتند که اتاق میتواند برای تقویت بخش کمک مؤثری باشد. اهمیت اتاق را شما در نظر بگیرید، همان اهمیتی که اتاق بازرگانی برای بخش خصوصی و تجار دارد، همان اهمیت را اتاق تعاون برای بخش تعاونی دارد و چون بخش تعاونی باید اصل باشد باید شما اتاقان را آنچنان تقویت بکنید که بتواند نه تنها با او رقابت بکند بلکه جلوتر برود. باز غرض ما این نیست که بگوئیم آن دوستان را از صحنه روزگار محو کنید که ما رشد کنیم، نه، در یک، رقابت سالم و درست و حساب شده و سنجیده ما اولویت بخش مردمی خودمان را فقط می‌خواهیم که اگر می‌خواهیم در قوانین و در بسیاری از موارد الویت به بخش تعاونی داده شده ما باید برویم بگوئیم که ما اولویت بخش خودمان را می‌خواهیم، می‌گویند شما چه کسی هستید با

کارخانه تولید کننده مواد غذایی داشته باشید باز هم قیمت را پائین آورده‌اید چون آن کارخانه هم متعلق به تعاونی شماست و باز آنجا کارخانه‌دار هم، دنبال منافع اضافی نیست و احیاناً با بازار بازی نمی‌کند برای تأمین منافع خودش، آنجائی که این امکان را دارد از آن غفلت نکند ما هم اگر کمکی از دستمان برآید در خدمتتان هستیم که از سرمایه‌های در اختیارتان استفاده بهتری بشود. در قوانین یک جاهائی هم گفته شده که دولت بخشی از کارهایش را به بخش تعاونی واگذار بکند. خوب برای این کار باید پذیرش وجود داشته باشد، اگر این پذیرش وجود داشته باشد با قدرت می‌شود در دولت بحث کرد که چرا این چیزی که قانون تکلیف کرده است انجام نمی‌دهید، اما اگر قابلیتش نباشد تا بگوئیم واگذار بکنیم بگوید خوب شما که

نمی‌توانید پس فلان تاجر باید بیاید این را بگیرد آنوقت از دست شما خارج می‌شود و مشکلات این بخش زیاده‌تر می‌شود حالا اینجا چگونه میشود خود شما راه‌حلهایش را بهتر از ما می‌دانید، من فقط فتح باب می‌کنم که این بحثها در حوزه تعاونی انشاء... گشوده بشود، یک توصیه‌ای هم هست و آن اینکه در جهت مدرن کردن شبکه توزیع است، توصیه استفاده از کارتهای اعتباری هم شده که اگر امکانش برایتان فراهم بشود باز می‌تواند به شأن و اعتبار این شبکه شما بیافزاید.

امیدوارم که در جهت تحقق اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی در بخش تعاون همه شما موفق باشید. من با اطمینان می‌گویم که هر قدمی که شما در اینراه برمی‌دارید جهاد مقدسی است که در جهت حمایت از حقوق محرومین و مستضعفین انجام می‌دهید و با خیال راحت و اطمینان بدانید که نیت اگر خدائی باشد حسنات فراوانی خدای متعال برای شما منظور خواهد کرد.



بصورت غیرمستقیم قطعاً به بخش برمی‌گردد.

پس از این تفکر تعاونی در بین تعاونیها انشاء... باشد و تشکل را تقویت کنیم از این جزیره‌های جدا، جدا به یک کل منسجم بعنوان شبکه غیرتمند و آبرومند و افتخارآمیز تعاون در سراسر کشور انشاء... تبدیلیش بکنیم.

بحث دیگری که باز من میتوانم درخواست کنم از شما برادران، وضع تعاونیها و اتحادیه‌هایمان الحمدا... خوب است، فکر خوبی هم کرده‌اند یعنی غیر از اینکه به کار توزیع خودشان (تأمین کالا و توزیع) می‌پردازند از مازاد سرمایه‌ای که در اختیارشان است واحدهای تولیدی هم ایجاد کرده‌اند. این کار خیلی خوبی است البته این امکان را ممکن است همه نداشته باشند ولی در آنجائی که امکانش هست مثل اتحادیه‌های بزرگ از این کار غفلت نکنند، بلکه شما در صورتی که خودتان هم

این سرمایه اندک با این توانائی ناچیز نمی‌توانید کار به این بزرگی را انجام دهید باید خودمان را آماده کنیم و بگوئیم، نه، هم سرمایه مان اندک نیست و هم توان فنی و علمی مان ناچیز نیست و هم تشکل‌مان بحدما... قوی است و در صحنه بین‌المللی هم اتاق تعاون از طرف ماحضور جدی و فعال دارد و کارشان هم محدود به اینکه حالا یک نمایشگاهی در یک گوشه‌ای برگزار بکند نباید باشد، قانون اختیارات خوبی را برای اتاق دارد، اگر اتاق هم بمعنای واقعی اتاق بشود، وزارت تعاون هم اختیار دارد که بخشی از وظایفش را به اتاق واگذار بکند و این کار را هم خواهیم کرد منتها مقدمه‌اش لازم است، باید شما کمک بکنید اتاق تعاون تقویت بشود، بنیه مالی اولیه‌ای لازم دارد که فکر میکنم باهمت شما قابل تأمین است. یک ساختمان مناسب که محل اجتماع شما بتواند باشد و سرویسهای شما را بتواند فراهم بکند و بعد از مدتی هم منافعش برمی‌گردد ولو